

بانکداری بدون ربا و ثبیت اقتصاد

*

مجید رضایی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

مقایسه‌ی صحیح بین بانکداری ربوی و غیرربوی باید براساس وجود و عدم بهره صورت گیرد. مسائلی مثل کارایی و بهره‌وری کارمندان، دولتی بودن، تعدد عقود و مشابه آن نمی‌تواند مقایسه واقعی بین دو سیستم را نشان دهد. اصلی‌ترین مشخصه‌ی بانکداری بدون ربا حضور در بخش حقیقی اقتصاد است. وجوه نقدی در آن بخش جریان دارد و براساس تولید کالا و خدمات افزایش می‌یابد و تقاضای پول برای امور سفته بازی در آن شکل نمی‌گیرد. از همین رو از ثبات اقتصادی بیشتری

برخوردار است. اثر فوق در تمام شیوه‌های بانکداری غیربوی جاری است؛ حتی اگر تمام معاملات و قراردادهای آن براساس عقود با بازدهی ثابت، همچون مرابحه و فروش اقساطی باشد. این نوشتار در پی اثبات این مطلب برآمده است.

واژگان کلیدی: بانکداری بدون ربا، کارایی، تثبیت اقتصادی.

مقدمه

بانکداری بدون ربا در چند دهه‌ی اخیر گسترش روز افزون داشته و از مؤسسات قرض‌الحسنه‌ی محلی به بانکداری تخصصی و تجاری تغییر یافته است، و امروزه در برخی کشورها، همچون ایران، تمام مجموعه‌ی پولی و بانکی آن بر این اساس عمل می‌کند. تحریم ربا دلیل انحصاری روی گردانی جوامع اسلامی از بانکداری سنتی به سوی بانکداری غیربوی است.

مسلمانان، با اعتقاد کامل به دین، یقین دارند دوری از ربا باعث بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌شود. در کنار اعتقاد کامل به منافع معاملاتی که از ربا به دور است در مباحث اقتصادی به ناچار باید آثار اقتصادی وجود و عدم ربا مطرح گردد. عدم طرح آن باعث می‌شود به تدریج در مورد صحت برداشت فقهی نسبت به اصل تحریم ربا و یکسانی بهره‌ی بانکی و ربا تشکیک رخ دهد. به ناچار برای تصحیح برداشت اصل تحریم ربا و یکسانی بهره و ربا علاوه بر استفاده از روش مرسوم فقه در مراجعه به متون و اعمال قواعد اصولی پیرامون آن، باید به آثار پدیده‌ی فوق توجه گردد. این روش می‌تواند زمینه‌ی گسترش عمل به بانکداری بدون ربا را ایجاد کند و برتری آن را اثبات کند و برای فقیه اطمینان حاصل شود که برداشت فقهی او آثار مثبتی دارد و عمل به آن مشکل‌زا نیست.

البته اهل فن می‌دانند، اگر در شرع مقدس برای امری حکمت غالب بیان نگردد و حقیقت آن را امری غیبی بداند که فقط در آخرت ظهور می‌کند،

مباحث فوق پیرامون آن مطرح نمی‌گردد. مسائل اجتماعی اسلام معمولاً به گونه‌ای است که آثار دنیایی دارد (گرچه به تمام مصالح آن علم پیدا نمی‌کنیم). در خصوص ربا آثار اقتصادی متعددی تذکر داده شده و ربا به عنوان عامل مخرب اقتصادی تعریف شده است. بنابراین نیاز هست که آثار اقتصادی حذف ربا و جایگزینی شیوه‌ی انتقال وجوه در اسلام روشن شود.

نکته‌ی دوم اینکه بانکداری یک صنعت تقریباً جدید است که، با خلق پول، توانایی ایجاد چند برابر پول اولیه برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی را دارد و در مقابل آن بانکداری بدون ربا را می‌توان به شیوه‌های مختلف طراحی کرد. هم اکنون در عمل از روش‌های متعددی برای بانکداری بدون ربا استفاده می‌شود و از حیث نظریه هم می‌توان شیوه‌ها را گسترش داد. بررسی آثار هر شیوه به ما کمک می‌کند بهترین شیوه را پیدا کنیم و، چنانچه شیوه‌ای ناکارآمد بود، اصلاحات لازم را در مورد آن اعمال کنیم. این به معنای کشف بهترین شیوه‌ی عملی برای نفی ربا است.

نکته‌ی سوم، که در مقدمه متذکر شدیم، اهمیت بحث تثبیت اقتصادی است. ثبات اقتصادی از مهمترین اهداف نظام اقتصادی است و در قرن اخیر توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرده است. ثبات اقتصادی به معنای تحقق اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی است. اقتصادی که مبتلا به تورم یا رکود شود نیازمند بهره‌گیری از سیاست‌های مالی و پولی برای برگشت به حالت اولیه‌ی رشد متعادل و قرارگرفتن در مسیر بلند مدت اقتصاد است. در ادبیات اقتصادی و بخش عمومی تثبیت اقتصادی از جمله وظایف اصلی دولت‌ها شمرده می‌شود. دولت با اعمال سیاست مالی باید به این مهم دست پیدا کند. امروزه این امر پذیرفته شده که اقتصاد مبتنی بر بازار قادر نیست اشتغال کامل و ثبات قیمت‌ها را تحقق ببخشد و انجام سیاست عمومی برای حفظ جامعه از سقوط در دام رکود و تورم لازم است. اگر بخش پولی در اختیار دولت باشد انجام سیاست‌های پولی هم برای تثبیت لازم است و گر نه مسؤولان بانک‌ها باید به این امر توجه کنند.

نکته‌ی چهارم اینکه سطح عمومی قیمت‌ها و اشتغال به سطح تقاضای کل،

تولید بالقوه و قیمت جاری بستگی دارد. در صورت افزایش هزینه تولید، تورم ناشی از فشار هزینه رخ می‌دهد. افزایش تقاضا می‌تواند تورم ناشی از فشار تقاضا را ایجاد کند. گاه تورم و بیکاری با هم رخ می‌دهد (رکود همراه با تورم) و در چند دهه‌ی پایانی قرن اخیر اقتصاد بسیاری از کشورها، از این جهت، دچار اختلال شد. (ماسگریو و ماسگریو، ۱۳۷۲، ۱۷ و ۱۸) سیاست‌گذاری دولت‌ها برای رفع نوسانات و شرایط غیرعادی است. هر چه سیستم اقتصادی توانا تر باشد نیاز به اعمال سیاست کمتری دارد. اگر درون اقتصاد به گونه‌ای باشد که اختلالات کمی از عملکرد آن ایجاد شود نیاز به اعمال سیاست‌های ویژه پدید نمی‌آید. دولت‌ها می‌توانند با تغییر مخارج دولت (G) و درآمد آن (T) با رکود و تورم مبارزه کنند، ولی بهترین شیوه‌ی اقتصادی آن است که منشأ تورم و رکود در درون اقتصاد نباشد. اگر هر از گاهی درون اقتصاد آثار تورم و رکود پدید آید سیستم اقتصادی عقیم و علیل است. بدون شک تحولات به گونه‌ای است که نمی‌توان مانع هرگونه بحران شده، به ویژه بحران‌هایی که از خارج بر اقتصاد تحمیل می‌گردد. اما می‌توان طراحی درون سیستم به گونه‌ای باشد که آسیب کمتری ایجاد کند.

نکته‌ی پنجم اینکه در مقایسه‌ی بانکداری ربوی و غیرربوی باید بر وجود و عدم بهره متمرکز شد. در بانکداری ربوی از یک قرارداد استفاده می‌شود و در ازای پرداخت وجوه به مشتری، علاوه بر برگشت اصل وجوه، بهره‌ی آن نیز پرداخت می‌گردد. این قرارداد از نوع قرض ربوی است. در مقابل آن در بانکداری بدون ربا از یک یا چند قرارداد استفاده می‌شود، که بهره در آن منتفی است. قرض الحسنه، قرض بدون بهره است و مضاربه و مشارکت متضمن سهم سود است و فروش نسبه، مرابحه و سلف در بردارنده‌ی مبلغ اضافی، به عنوان نرخ نسبه یا سود معامله یا عکس آن است.

برای مقایسه‌ی دو شیوه‌ی بانکداری باید آثار وجود بهره و عدم آن را بررسی کرد و نباید به مباحث دیگر مثل امور اجرایی جزئی توجه کرد. حتی تعدد قراردادها و یکی بودن آن وجه تمایز نیست، زیرا در شیوه‌ی بانکداری بدون ربا

می‌توان از یک عقد استفاده کرد و یا در قالب یک قرارداد، از چند عقد بهره گرفت. در برخی کشورها فقط از مضاربه استفاده می‌کنند و در برخی بانک‌ها، با فروش اقساطی، بیش از دو سوم قراردادها را پوشش می‌دهند. مشکلات مختلفی مثل کمبود متخصص، نبود استانداردهای حسابداری، فقدان راهنمایی‌های شرعی هماهنگ و یکسان، اختلاف با بانکداری مرکزی، وضعیت مالکیت آنها، فقدان بازار سرمایه، فقدان روابط متقابل با دیگر بانک‌های غیررئوی، فقدان بانک‌های غیررئوی تخصصی، فقدان سندیکای بانک‌های غیررئوی، پایین بودن فرهنگ مالی وام‌گیرندگان از بانک‌های غیررئوی و موارد مشابه را می‌توان معیار اصلی مقایسه‌ی بانکداری ربوی و غیررئوی دانست. (نادری کزج و صادقی، ۱۳۸۲، ۳۱ و ۳۲)، زیرا مشکلات فوق در هر دو نوع بانکداری ممکن است جریان یابد.

همچنین هر دو نوع بانکداری ممکن است از شیوه‌های جدید مدیریتی برای ارتقای کارایی استفاده کنند. هر دو نوع بانکداری ممکن است دولتی یا خصوصی باشند. استفاده از انواع کارت‌های اعتباری برای سهولت مبادلات، ایجاد ارتباط بین بانک‌ها با استفاده از فناوری پیشرفته و مشابه آن در هر دو نوع مشترک است. مقایسه‌ی واقعی بین دو نوع بانک در صورتی امکان دارد که شرایط یکسان، برای هر دو نوع بانکداری، وجود داشته باشد و تفاوت اصلی در استفاده از قرض ربوی و غیر آن باشد. بنابراین مطالعه‌ی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه‌ی آن با بانک‌های ربوی در جهان، که توسط نادری کزج و حسین صادقی صورت گرفته و نشان داده شده که کارایی بانک‌های غیررئوی، که در شرایط رقابتی در کنار بانک‌های ربوی فعالیت می‌کنند، از کارایی بانک‌هایی که تحت نظام غیررئوی فعالیت می‌کنند بیشتر است و یا آنکه کارایی بانکداری غیررئوی در سال ۲۰۰۱ نسبت به بانکداری ربوی در جهان کمتر بوده است، نمی‌تواند دقیقاً مقایسه را صورت دهد، زیرا شرایط هر کشور متفاوت است و از این شیوه نمی‌توان نشان داد جایگزینی عقود مشارکتی با قرض ربوی در کارایی اثر مثبت داشته یا منفی.

نوع کارایی مدیران و کارمندان، دولتی بودن یا نبودن، امکان اتخاذ تصمیم گیری و فقدان آن، مکلف بودن بانک‌ها به برخی از امور، همچون اعطای تسهیلات با نرخ‌های معین و نبود آن، در کارایی مؤثر است و بانک‌های مورد بررسی قرار گرفته شرایط یکسانی ندارند. مقایسه در شرایطی صحیح است که از بانک ربوی با حفظ وضعیت اجرایی و مدیریتی و کارایی کارکنان، فقط نوع قرارداد و اموری که وابسته به آن است حذف شود و عقد یا عقود شرعی جایگزین آن شود و پس از چند سال کارکرد آن مقایسه شود. از همین رو نمی‌توان مقایسه‌ی بانکداری ایران و بانکداری بدون ربا در کشور اردن، که به صورت جزئی در کنار سیستم ربوی فعالیت می‌کند، را صحیح دانست. البته می‌توان بانکداری بدون ربا در اردن را با بانکداری ربوی در همان کشور مقایسه کرد (توکلی، ۱۳۸۰).

براساس امور فوق، مقاله‌ی حاضر درصدد تبیین اثرات استفاده از عقود شرعی در قراردادهای بانک بر تثبیت اقتصادی و مقایسه‌ی آن با اثرات قرض ربوی است.

شیوه‌ی عملکرد بانک ربوی و غیرربوی

در بانک ربوی از عقد قرض ربوی استفاده می‌شود. متقاضیان وجوه، با مراجعه به بانک، تقاضای خود را برای وام ارائه می‌کنند. بانک، پس از اطمینان از برگشت پول و اخذ ضمانت کافی، پول مورد نیاز فرد را در اختیار او قرار داده و او باید در سر موعد ماهانه یا سالیانه مجموع وام و بهره‌ی آن را به تدریج بپردازد.

در ساده‌ترین شکل آن، بانک هیچ‌گونه نظارتی بر کیفیت مصرف وام ندارد. البته در بانک‌های ربوی، به خصوص بانک‌های تخصصی، موارد متعددی است که وام برای کار خاصی پرداخت می‌شود و بانک در مصرف آن مقررات گوناگونی اعمال می‌کند.

شخص برخوردار از وجوه نقدی می‌تواند آن را در هر کاری به کار اندازد.

ممکن است در بازار حقیقی وارد شود، و برای مصارف شخصی کالا بخرد و یا آنکه در بازار حقیقی برای فروش، کالایی تهیه کند و یا آنکه برای کارگاه تولیدی خود کالای واسطه یا مواد اولیه تهیه کند. ممکن است پول را برای ادای دین خود مصرف سازد و یا آنکه پول را برای ورود به بازارهای مالی و خرید سهام و یا اوراق بهادار نگه دارد. در این شیوه، وام گیرنده آزادی کاملی در نحوه‌ی مصرف وجوه نقدی دارد و از کالای مصرفی برای خود تا استفاده در بازارهای مالی را می‌تواند انتخاب کند. پول در اختیار او ممکن است در بازار کالا و کار مصرف شود و کالا و خدمت خریداری کند یا در بازار سرمایه به سهام تبدیل شود و یا به صورت تقاضای پول در دست سفته باز بماند. متقاضی براساس اینکه کدام یک از موارد فوق سود بیشتری دارد، دست به تصمیم می‌زند.

بانک تجاری نیز تلاش می‌کند از سرمایه‌های خود برای کسب سود بیشتر بهره‌گیرد. بانک، علاوه بر وام دهی به اشخاص و مؤسسات، می‌تواند وارد بازار سهام شده و بخشی از دارائی‌های خود را به صورت سهام نگه دارد و یا آنکه در شرایطی در بازار اوراق بهادار اقدام به خرید اوراق بهادار یا فروش آن کند. معمولاً بانک‌ها در بازار کالا برای خرید کالا وارد نمی‌شوند، بلکه در بازارهای سرمایه و پول وارد می‌شوند؛ زیرا ورود و خروج از آن هزینه‌ی زیادی ندارد، در حالی که تبدیل کالا در بخش حقیقی مشکلات عدیده‌ای دارد. خرید و فروش اوراق قرضه نیز به نوعی استفاده از همان روش وام‌دهی و قرض ربوی است.

از جمله کارهای بانک‌های ربوی تنزیل اوراق بهادار است. افرادی دارای اوراق بهادار مدت دار که نیازمند وجوه نقدی هستند با مراجعه به بانک ارزش اوراق را با توجه به مدت و نرخ بهره‌ی بازار تنزیل می‌کنند. در واقع بانک طلب دارنده‌ی اوراق از بدهکار را باکم کردن بخشی از مبلغ آن خریداری می‌کند و براساس آن نیاز متقاضی به وجوه برطرف می‌گردد و بانک از سود مناسب برخوردار می‌گردد. سفته از جمله این اوراق است. بانک ربوی گاه به مشتریان خوش حساب خود اعتبار در حساب جاری آنها ایجاد می‌کند، یعنی اجازه می‌دهد از اعتبار حساب جاری تا حد خاصی استفاده کنند و با محاسبه‌ی بهره،

آن را به بانک برگردانند.

از مجموع آنچه گذشت معلوم شد بانک‌های ربوی در ارائه‌ی خدمات به متقاضیان وام، وام کوتاه مدت و بلند مدت با بهره می‌پردازند، اوراق بهادار را توزیع می‌کنند، حساب جاری آنها را دارای اعتبار می‌کنند و اوراق بهادار را خریداری می‌کنند. همه‌ی این اعمال با بازار پول ارتباط دارد.

گاه در شرایطی که متقاضیان وام نداشته باشند، برای جلب سود در بازار سرمایه هم وارد می‌شوند و بخشی از نقدینگی خود را به صورت سهام عادی یا ممتاز در می‌آورند و یا آنکه در پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشارکت می‌کنند، ولی به دلیل ریسک موجود در بازار سهام و سرمایه‌گذاری، بانک‌ها ترجیح می‌دهند معمولاً با پرداخت وام با نرخ بهره، سودآوری خود را تضمین کنند.

در بخش جذب منابع مالی هم بانک ربوی با افتتاح حساب سپرده‌ی پس‌انداز و جاری و مدت‌دار، نقدینگی مردم را جمع‌آوری کرده و به سپرده‌ی دیداری و مدت‌دار بهره‌ی کمتر از مقدار بهره‌ی وام می‌پردازند. (موسویان، ۱۳۸۰، ۱۲۷)

تمایز اصلی بانکداری غیرربوی با ربوی در حضور کامل یا حداکثری آن در بخش حقیقی اقتصاد است. قابل توجه است که شیوه‌های مختلفی برای بانکداری غیربومی مطرح و عملی شده است که برخی از مهم‌ترین آنان را متذکر می‌شویم. اولین نوشته‌های پیرامون بانکداری بدون ربا بر استفاده از عقد مضاربه تأکید دارد. بیش از پنجاه سال از نوشته‌ی پیرامون آن می‌گذرد (احمد، ۱۳۷۴، ۲۹۲). مضاربه نزد پاره‌ای از اهل سنت اختصاص به تجارت ندارد و قابلیت دارد که در همه‌ی موارد مشارکت کار و سرمایه از آن استفاده شود. بانک سرمایه‌ی افراد متقاضی را به وکالت از طرف سپرده‌گذاران یا مستقلاً تأمین کرده، آنها را در کار تجاری، صنعتی و کشاورزی به کار انداخته، سهمی از سود را به بانک خواهند داد. البته بانک به عنوان تأمین‌کننده‌ی سرمایه، مسؤول زیان وارده است، ولی می‌تواند براساس قرارداد، سود و زیان، برعهده‌ی طرفین باشد. مذهب حنفی و برخی از حنابله، مضاربه را مختص تجارت نمی‌دانند، زیرا غرض اصلی از آن

سودآوری مالی است و هدف مذکور قابل تحقق در هر فعالیت تولیدی است که با فروش محصولات به سود مناسبی می‌رسد (ابوزید، ۱۹۸۱، ۲۳ و ۲۴).

در اواخر دهه‌ی ۶۰ میلادی مدل جامع تری از بانکداری بدون ربا، مبتنی بر مضاربه، توسط دکتر عبدالله عربی، محمد نجات‌الله صدیقی و شهید سید محمد باقر صدر طرح شد. آنان بانک را واسطه‌ی مالی می‌دانند که پس‌اندازهای مردم را، براساس مضاربه، به جریان می‌اندازد و بر همین اساس وام‌هایی در اختیار خطرپذیران قرار می‌دهد. سود براساس درصد مورد پذیرش طرفین با بانک تقسیم می‌شود و سهم بانک نیز بین بانک و سپرده‌گذاران تقسیم می‌شود (احمد، ۱۳۷۴، ۲۹۵ و ابوزید، ۱۹۸۱، ۶۲) البته تفاوت‌هایی بین دیدگاه شهید صدر و دیگران در این خصوص هست، همچون اختصاص مضاربه به تجارت و قطع ارتباط عامل با سپرده‌گذاران و مانند آن (احمد، ۲۹۷، الصدر، ۱۴۰۱، ۳۰-۲۵) در برخی طرح‌ها تلاش شد از فرض الحسنه برای بانک بدون ربا استفاده شود، ولی در عمل هیچ‌گاه فرض الحسنه نتوانست وجوه زیادی را جمع کند و در حد مؤسسات محدود فرض الحسنه قرار گرفت. اما در دیگر طرح‌ها تلاش شد از عقد شرکت، مرابحه اجاره، اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی به حسب وضعیت هر جامعه استفاده شود.

هم اکنون در اکثر کشورهای اسلامی و برخی کشورهای غیراسلامی بانک‌های غیرربوی با استفاده از عقود مختلف در جمع‌آوری وجوه و اعطای تسهیلات فعالیت دارند. (میرجلیلی، ۱۳۷۴، ۳۶-۵) در ایران هم بیش از بیست سال است که بانک‌ها، با استفاده از عقود فرض الحسنه، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، سلف، جعاله و مشارکت، پس‌اندازهای مردم را جمع‌آوری کرده و از طریق قرض، مضاربه مشارکت، مدنی و حقوقی، فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، مزارعه، مساقات، جعاله، سرمایه‌گذاری مستقیم و خرید دین تسهیلات خود را اعطا می‌کند. عقود فوق به غیر از قرض الحسنه را می‌توان به سه دسته‌ی عقد مشارکتی، عقد با بازدهی ثابت و عقد با بازدهی متغیر تقسیم کرد. (موسویان،

۱۳۸۰، ۷ و ۱)

افرادی که وجوه را دریافت می‌کنند باید، براساس قرارداد، وجوه را در امر خاص صرف کنند. در مضاربه، بانک پول را برای کار تجاری در اختیار فرد قرار می‌دهد و شخص باید آن را در خرید و فروش کالا صرف کند. در مساقات و مزارعه وجوه دریافتی برای بهره‌برداری از باغات و مزارع به کار گرفته می‌شود. در مشارکت مدنی کمبود سرمایه‌ی اشخاص حقیقی و حقوقی را برطرف می‌سازد و از فعالیت تولیدی خاص حمایت می‌شود. در مشارکت حقوقی قسمتی از سهام شرکت سهامی جدید تأمین و یا بخشی از سهام شرکت خریداری می‌شود. در فروش اقساطی مواد اولیه و لوازم یدکی، اموال منقول و مسکن خریداری و به صورت نسیه در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. در معاملات سلف محصولات تولیدی، صنعتی، کشاورزی و معدنی پیش خرید نقدی می‌شود و کمبود سرمایه‌ی او برطرف و اطمینان به خرید محصول ایجاد می‌شود. در اجاره به شرط تملیک اموال خاصی را در اختیار متقاضی قرار داده و پس از مدت اجاره به او منتقل می‌شود. در جماله هم کارهای مختلف تولیدی و خدماتی در قرارداد مد نظر قرار می‌گیرد.

در تمام این موارد وجوه تسهیلات به امور سرمایه‌گذاری و تولیدی تعلق می‌گیرد و در بازار سهام یا کالا و خدمات مصرف می‌شود. متقاضی وجوه اختیار ندارد که پول نقد را در هر طریقی که مایل است قرار دهد، بلکه باید در مورد خرید کالا یا سهام یا خدمات خاص مصرف کند. خرید دین تنها موردی است که بانک، براساس اوراق طلب متقاضی که ناشی از طلب حقیقی است، می‌تواند پول نقد در اختیار شخص قرار دهد و او اختیار کامل در کیفیت مصرف آن دارد. البته این دین معمولاً ناشی از فروش کالا یا مشابه آن بوده و در بازار غیرپولی شکل می‌گیرد. البته خرید دین در حال حاضر در ایران مورد استفاده نیست.

بنابراین خصوصیت اصلی بانکداری غیرربوی حضور در بازارهای کالا و سرمایه است و نقش انتقال وجوه در این بازارها برای تأمین کالای مصرفی، مواد اولیه‌ی تولیدی و گسترش سهام فعالیت می‌کند تا وجوه در اختیار نهاده شده

بتواند در بازار پولی و عملیات سفته بازی به جریان بیافتد. البته در بانکداری غیررئبوی برخی از عقود از بازدهی ثابت برخوردار است و به علت سهولت عملیات آن گرایش بانک‌ها به سمت آن است. مثلاً در بانکداری ایران، که انواع عقود وجود دارد، سهم فروش اقساطی در طول بیست سال روند افزایشی داشته است و در ایران به حدود ۶۳ درصد و مجموع عقود با بازدهی ثابت به بیش از ۷۰ درصد رسیده است (آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی)، و در برخی بانک‌های اسلامی مثل دبی و کویت و سودان به بیش از ۸۵ درصد می‌رسد (اقبال، ۱۳۸۴، ۴۵۵)، اما باید توجه داشت که چنانچه کل عملیات بانکی بتواند بر فروش اقساطی متمرکز شود و نرخ نسبه به جای نرخ سود عمل نماید، این شیوه نیز بانکداری بدون ربا است. بانکداری بدون ربا در چهارچوب حرمت ربا و نفی معاملات باطل می‌تواند از هر نوع عقد شرعی، که کارایی مناسب اقتصادی داشته باشد، استفاده کند. تأکید بیش از حد بر عقود مشارکتی با توجه به عدم استقبال مردم از آن و یا مشکلات اجرایی آن بانکداری را با مشکلات مواجه می‌سازد. بنابراین آنچه را که شرع حلال کرده می‌تواند در بانکداری باشد و اشکال‌های مطرح شده به آن وارد نیست.

نباید گنفت گرایش نظام بانکی به عقود با بازدهی ثابت نوعی گرایش به شیوه‌ی بهره و ربا است و اختلاف فقط در حلیت و حرمت است، ولی از نظر موازین اقتصادی و خصوصیات بازار سرمایه تفاوتی با اعطای وام و اعتبار با بهره ندارد. (موسویان، ۱۳۸۰، ۱۸۶) استفاده از بیع نسبه و فروش اقساطی یا مرابحه یا اجاره به شرط تملیک در بازار کالا صورت می‌گیرد و کالای ساخته شده مورد معامله قرار می‌گیرد و پول برای معاملات بورس بازی صرف نمی‌شود. خرید کالا بخش حقیقی اقتصاد را حمایت می‌کند و اثر مثبت بر عرضه‌ی کل اقتصاد می‌گذارد، در حالی که در نظام بهره دقیقاً معلوم نیست وجوه وام داده شده در کدام بازار صرف می‌شود. اشتباه فوق از آنجا ناشی می‌شود که تصور می‌شود بانکداری بدون ربا فقط در چارچوب مشارکت رخ می‌دهد.

گرچه مدل SLP (مشارکت در سود و زیان) یک الگوی بانکداری بدون ربا

است، ولی تنها شیوه نیست. متأسفانه برخی از محققان از جمله موسی غنی نژاد تلاش کرده اند از گرایش به سوی عقود ثابت، بانکداری غیرربوی را زیر سؤال ببرند و تلاش کنند بهره‌ی بانکی را متفاوت از ربا دانسته و وجود بازار وام با بهره را از ضروریات اقتصادی برای رشد جامعه تلقی کنند. تصور می‌شود تعیین هزینه‌ی سرمایه‌ی نقدی فقط در بازار وام و با نرخ بهره صورت می‌گیرد. (غنی‌نژاد، ۱۳۸۳، ۲۴۸) در حالی که بازار کالای نسیه، بازار دین و بازار سرمایه هم می‌تواند هزینه‌ی سرمایه را برای متقاضی وجوه تعیین کند. فردی که کالا نسیه خریداری می‌کند و در مدت محدودی پرداخت نقدی را تأخیر می‌اندازد، براساس نرخ نسیه، قیمت کالا را افزایش می‌دهد و یا کسی که در بازار دین، دین موجد را معجل نموده و مبلغی از ارزش آن بر حسب موعد آن می‌کاهد نیز هزینه‌ی سرمایه‌ی نقدی را معین می‌کند. همین طور فردی که به دنبال تولید است باید سود مناسبی برای سرمایه وجود داشته باشد تا انگیزه‌ی ورود او به بازار ایجاد شود. در هر صورت مشخص بودن هزینه‌ی پول نقد مجوز راه‌اندازی بازار وام یا بهره نیست.

ضمناً در قانون بانکداری بدون ربا به تمام عقود توجه شده است، ولی برخی محققان، به جهت توجیه اقتصادی بازار مشارکت، تلاش کرده‌اند این گونه مطرح کنند که شاکله‌ی اصلی بانکداری غیرربوی مشارکت در سود و زیان است. بعید نیست از آنجا که در بین محققان اهل سنت فروش نسیه از مقبولیت برخوردار نیست و پاره‌ای از آنان بیع نسیه را نوعی ربا می‌دانند و تلاش کرده‌اند فقط به مضاربه و مشارکت توجه جدی نمایند، محققان کشورمان نیز این ذهنیت را پیدا کرده‌اند که بیع نسیه شباهت کاملی به بهره دارد و باید در بانکداری غیرربوی از آن اجتناب شود. در طول تاریخ هم سرمایه‌ی نقدی برای تجارت و تولید صرف می‌شده و متقاضیان وجوه یا از طریق پیش فروش محصولات و یا از طریق شراکت و یا خرید نسیه‌ای مواد اولیه، نیاز خود را برطرف می‌کردند. البته با وجود پول کاغذی و امکان خلق پول و گشایش اعتبار و رشد بازارهای اعتباری، سرمایه‌ی نقدی در گردش گسترش یافته است، ولی این امور باعث نمی‌شود قرض

ربوی با عنوان تأمین سرمایه با بهره حلال گردد.

مهم ترین مشکلات بانکداری غیر ربوی در ایران

در بیست سال تجربه‌ی بانکداری بدون ربا در ایران، مشکلات عدیده‌ای از زبان محققان مطرح شده است. با مرور بر آن معلوم می‌شود آیا این مشکلات مختص بانکداری بدون ربا است یا ممکن است در بانکداری ربوی هم وجود پیدا کند. (۱) از مهم ترین اشکالات بانکداری ایران را دولتی بودن آن می‌دانند، عدم استقلال بانک مرکزی در تصمیم‌گیری پولی از عوامل مهم گسترش نقدینگی و وجود تورم در جامعه است. از آنجا که در دیدگاه پولیون تورم پدیده‌ی پولی است، برای رهایی از آن کنترل حجم پول الزامی است و این امر از وظایف بانک مرکزی است. در مطالعات متعددی نشان داده شده که استقلال بانک مرکزی به ثبات نسبی قیمت‌ها منجر می‌شود. همچنین محدودیت اعطای وام به دولت از نشانه‌های استقلال بانک مرکزی است و یک نوع رابطه‌ی منفی بین استقلال بانک مرکزی و نسبت کسر بودجه به PDG اثبات شده است. اکبر کمیجانی مطالعات انجام گرفته شده در جهان را نقل و نتیجه‌گیری کرده که محدودیت اعطای وام به دولت نشانه‌ی استقلال بانک مرکزی است. (کمیجانی، ۱۳۸۳، ۱۸ و ۱۹)

عدم استقلال بانک مرکزی، وضعیت ترکیب شورای پول و اعتبار و دولتی بودن اکثریت اعضای آن باعث شده به علت نیاز دولت و افزایش مخارج جاری دولت، پایه‌ی پولی در کشور رشد زیادی داشته باشد و تورم را موجب گردد. بدهی دولت به بانک مرکزی ناشی از کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی، اعتبارات اعطایی به وزارت امور اقتصادی و دارایی و بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی بیش از نیمی از پایه‌ی پولی در سال ۱۳۸۲ را تشکیل می‌دهد. (همان، ۲۳)

نکته‌ای که نباید فراموش شود آنکه بانکداری دولتی اختصاصی به بانکداری غیر ربوی ندارد، همان طور که بانکداری خصوصی هم به بانکداری ربوی

اختصاص ندارد. دولتی شدن بانک‌ها در کشور عوامل متعددی داشته است. این شیوه‌گرچه بانک را به مثابه صندوق خزانه‌ی دولت قرار داده و نیازهای آن را برطرف می‌ساخت، ولی باید خاطر نشان کرد، اگر دولت بر بانک تسلط نداشت، نمی‌توانست از طریق تسهیلات تکلیفی نیازهای متعدد بخش‌های تولیدی، خدماتی را مرتفع سازد و تسهیلات با سود کم را در اختیار کارمندان، معلمان و برخی اقشار هدف قرار دهد.

۲) کارایی پایین نظام اداری کشور، از جمله بانک‌ها و هزینه‌ی بالای اعطای تسهیلات.

بدون شک نظام اداری کشور از مشکلات عدیده‌ای برخوردار است و بانک‌ها نیز در آن مجموعه قرار دارند. هزینه‌ی اعطای تسهیلات بالا است ولی باید توجه کرد عوامل متعددی از جمله دولتی بودن، عدم بهره‌مندی نیروها از آموزش مناسب، عدم استفاده از شیوه‌های نوین، وجود مقررات متعدد و متغیر و مشابه آن عملاً باعث شده مجموعه‌ی مدیریت دولتی و نظام اداری با مشکلات عدیده‌ای مواجه گردد. این امر ارتباطی با بانکداری غیر ربوی و ربوی ندارد. گرچه تعدد عقود، باعث ایجاد هزینه می‌شود ولی نظام بانکداری می‌تواند از عقود محدودی استفاده کند. پایین بودن بهره‌وری اختصاصی به بخش دولتی ندارد.

۳) غیر رقابتی بودن فعالیت بانک‌ها، به علت نبود رقبای جدی.

۴) نبود انگیزه‌ی مناسب برای فعالیت.

۵) محدودیت‌های قانونی گسترده (ساسان گهر، ۱۳۸۳ و میر جلیلی، ۱۳۷۴، فصل چهارم)

متأسفانه نظام بانکداری غیر ربوی فقط تغییراتی در برخی مواد قانونی ایجاد نمود، ولی در نظام عملیاتی تغییر اساسی ایجاد نکرد. در واقع بدنه‌ی بانک می‌بایست متناسب با روح آن تغییر می‌یافت. حتی در عمل به وظایف قانونی‌گاه دچار انحراف می‌شد و اجازه‌ی گسترش عملیات صوری و فاکتور سازی را داد. برای نشان دادن سطح عملیات بالا و تکمیل کردن استفاده از سقف مجاز

تسهیلات در اعطای آن بی دقتی صورت می‌گرفت. حل مشکلات تولید، رفع بی عدالتی، تأمین نیازهای اساسی جامعه و غیر آن از بانک خواسته می‌شد، با آنکه بانک نقش محدودی دارد. تمام مشکلات متعدد بانکداری فعلی نه به علت غیر ربوی بودن، بلکه عمدتاً علل دیگری دارد که متأسفانه تمام آن به عهده‌ی بانکداری غیر ربوی گذاشته می‌شود. جالب این است اعتراض معتقدان به بانکداری غیر ربوی به عدم عمل به وظایف قانونی است و اعتراض معتقدان به بانکداری ربوی به انجام وظایف قانونی.

عامل اختلالات اقتصادی

(۱) تورم

افزایش تقاضا یا کاهش عرضه‌ی کل از عوامل تورم زا است. فشار تقاضا که از طریق گسترش G و یا افزایش حجم پول رخ می‌دهد، تقاضای کل را به راست منتقل کرده و سطح قیمت افزایش می‌یابد. افزایش هزینه‌های تولید و کاهش عرضه، باعث انتقال عرضه به چپ و افزایش P می‌شود. بر طبق یک مطالعه‌ی تحقیقی در دوره‌ی ۷۶-۱۳۴۷ در بلند مدت، در ازای یک درصد افزایش حجم نقدینگی، $۰/۵۹$ درصد افزایش تورم ایجاد کرده و سیاست کسری بودجه در ازای یک درصد افزایش کسری بودجه، $۰/۱۱$ درصد تورم رشد داشته و در ازای یک درصد نوسان نرخ ارز در بازار غیر رسمی، $۰/۴۷$ درصد تورم افزایش یافته است. ولی در کوتاه مدت یک درصد رشد حجم نقدینگی و کسری بودجه و نوسان نرخ ارز، به ترتیب $۰/۲۹$ و $۰/۰۹$ و $۰/۲۷$ درصد باعث کاهش تورم شده است.

اگر درآمد نفت در نظر گرفته نشود، اثر یک درصد رشد حجم نقدینگی و کسری بودجه و نوسان نرخ ارز در بلند مدت بر تورم، به ترتیب، $۰/۷۰$ و $۰/۰۶$ و $۰/۱۶$ درصد می‌باشد. و در کوتاه مدت به ترتیب $۰/۴۳$ - و $۰/۰۰۶$ و $۰/۲۸$ - است. یعنی اثر رشد حجم نقدینگی و نوسان نرخ ارز باعث کاهش تورم و سیاست کسری بودجه باعث رشد تورم می‌شود. بنابراین سیاست پولی و

مالی فعال در جهت تثبیت اقتصاد اجرا نمی‌شود. و بخش قابل ملاحظه ای از مشکلات اقتصادی فارغ از نوسانات درآمدهای نفتی است و عمدتاً تورم ناشی از حجم پول است. (معدلت، ۱۳۸۰ و معدلت، ۱۳۸۱، ۲۲۶-۲۱۷)

گسترش حجم نقدینگی از طریق تأمین نیازهای دولت در اقتصاد کشور، عامل اصلی تورم است و این امر در بازارهای حقیقی رخ نمی‌دهد. دولتی بودن بانک‌ها از عوامل اصلی این امر است و نمی‌توان تورم را ناشی از بانکداری غیر ربوی دانست، ولی می‌توان گفت اگر بانکداری ربوی حاکم باشد و نظارت بر مصرف وجوه پرداختی به هیچ وجه نباشد و با توجه به وجوه بازارهای اوراق قرضه بخش مهمی از پول نقد در آن بازار صرف می‌شود و این امر به خروج بیشتر پس انداز از بخش واقعی منجر می‌شود و تولید با کمبود سرمایه مواجه می‌شود و رشد عرضه کمتر است. بنابراین رشد قیمت‌ها بیشتر خواهد بود.

بر طبق آمارها بهره از عوامل اصلی افزایش تقاضا است. وجوه بازارهای پولی و انجام اعمال سفته بازی باعث شده بهره‌ی خالص در ۳۵ سال پس از جنگ دوم در آمریکا ۱۰۳ برابر شود، در حالی که سود بخش حقیقی ۸ برابر شود و این نشانه افزایش تقاضا است. (توتونچیان، ۱۳۷۹، ۵۶۱)

مرکز تحقیقات مپویر علوم اسلامی

۲) بیکاری

تعطیلی واحدهای تولیدی و نبود انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری جدید، به علت سودآور نبودن تولید و بالا بودن هزینه‌ی تولید، از عوامل اصلی بیکاری نیروی فعال جامعه است. از عوامل تعطیلی واحدهای تولیدی و ورشکستگی آنان عدم توان در پرداخت هزینه‌ها است. وجوه هزینه‌ی بهره به صورت قطعی باعث افزایش هزینه و استمهال آن با پرداخت نرخ بهره‌ی بیشتر باعث بالا رفتن بدهی می‌شود. در صورتی که در شیوه‌ی مشارکت هزینه‌ی بهره وجود ندارد و طرفین معامله در سود و زیان شریک هستند و پرداخت سود پس از کسب آن صورت می‌گیرد. در شیوه‌ی فروش اقساطی، گرچه از ابتدا نرخ نسبی معین است، ولی اولاً این امر در بازار کالا است نه پول، و ثانیاً در استمهال بدهی مبلغ آن تغییر نمی‌کند و

روز به روز بدهکاری بنگاه در صورت بروز مشکل در پرداخت بدهی زیاد نمی‌شود، به گونه‌ای که قدرت تحمل آن را نداشته باشد.

وضعیت کشورهای در حال توسعه و بدهکاری عظیم آنها این امر را به خوبی نشان می‌دهد، بخش زیادی از بدهی مذکور ناشی از بهره‌ی مضاعف است که به علت عدم قدرت پرداخت اصل بدهی در طول زمان، چند برابر شده است.

همچنین عدم وجود نظام مشارکت در بخش نیروی انسانی هم باعث می‌شود در هنگام رکود اقتصادی نیروی کار برای کاهش هزینه اخراج گردد. ولی اگر عامل کار براساس مشارکت با سرمایه در سود شریک شود در هنگام رکود اقتصادی سود کاهش می‌یابد، نه اینکه نیروی کار اخراج گردد زیرا سهم نیروی کار به عنوان هزینه مطرح نیست. (ویتزمن، ۱۳۶۸)

۳) عدم تعادل در پرداخت‌ها

در روش مشارکت، سود براساس تورم تعدیل می‌شود، چون معمولاً سود بالاتر از تورم است. ولی در روش قرض ربوی بهره با تورم لزوماً هماهنگ نیست. به خصوص در تورم‌های بالا نرخ بهره به آن مقدار افزایش پیدا نمی‌کند، بر همین اساس ارزش پول برگشتی کمتر از مبلغ اولیه‌ی وام است. بنابراین در شرایط تورم بالا وام دهنده متضرر می‌شود و در شرایط رکود وام گیرنده، که درآمد کافی ندارد، متضرر می‌شود. (اقبال، ۱۳۸۴، ۴۴۰)

۴) عدم کارایی

نظام مشارکت کارا تر عمل می‌کند زیرا بانک در بهره‌وری سهام می‌شود و سرمایه‌ی نقدی در اختیار طرح‌هایی قرار می‌گیرد که از بهره‌وری بیشتر برخوردار هستند. (همان، ۴۴۱)

۵) عدم ثبات و تعادل در ترازنامه

بانک‌ها در نظام مشارکت از ثبات بیشتری برخوردار هستند، زیرا مقدار بدهی به سپرده‌گزاران و طلب از گیرندگان تسهیلات هر دو متغیر است و اصل سرمایه هم تضمین نمی‌شود و در شرایط رکود مشکل برای بانک ایجاد نمی‌شود، زیرا با کاهش سود فعالیت‌های اقتصادی بدهی به صاحب سپرده هم کاهش می‌یابد. ولی در سیستم ربوی، اصل سرمایه تضمین شده و بدهی آنها ثابت ولی دارایی آنها متغیر است، ولی با تحقق شوک خارجی، برای پرداخت کنندگان اقساط، مشکل رخ می‌دهد. (همان، ۴۴۲ و خان، ۱۳۷۰، ۶۸)

۶) کاهش سرمایه گذاری

چون هزینه سرمایه از شرایط نرخ سرمایه‌گذاری است، در نظام بهره، هزینه سرمایه معین است، ولی در سیستم مشارکت، هزینه سرمایه براساس بهره‌وری و وضعیت تولید تغییر می‌کند. در دوره رکود و کاهش بهره‌وری، هزینه سرمایه کاهش می‌یابد، بنابراین انتظار است در اقتصاد مشارکتی سرمایه‌گذاری بیشتری رخ دهد. (اقبال، ۱۳۸۴، ۴۴۴)

نتیجه‌گیری

مقاله درصدد اثبات ثبات اقتصادی، در پرتو حضور بانکداری بدون ربا، است. نرخ بهره، علاوه بر حرمت آن در متون دینی، مشکلات متعددی برای نظام اقتصادی ایجاد می‌کند. وجود تقاضای پول برای انجام امور سفته‌بازی و جدا شدن نقدینگی از بازار حقیقی، از عوامل اصلی نابسامانی اقتصادی است. تورم، بیکاری، عدم تعادل در ترازنامه و پرداخت‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد مبتنی بر بهره تحقق می‌یابد و حاکمیت عقود شرعی، چه با بازدهی ثابت و چه به صورت عقود مشارکتی، در کاهش آن مؤثر است. ناگفته نماند که بانکداری بدون ربا امروزه از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برد که عمده‌ی آن نه به خاطر

عقود شرعی، بلکه به علت نبود کارایی کارمندان و عدم امکان ارتباط با دیگر بانک‌های بین‌المللی است. همچنین عدم فعالیت مناسب بازارهای سرمایه در کشورهای اسلامی باعث شده توانایی بانک‌ها را در تحقق اهداف کاهش دهد. هماهنگی بانک‌های ربوی در جهان و ارتباط آن با بازارهای سهام و اوراق بهادار توانسته پاره‌ای از مشکلات را حل کند، ولی بانک‌های غیرربوی در تعداد محدودی از کشورها جریان دارد و ثانیاً با بانک‌های کشورهای غیراسلامی هماهنگ نیست و ارتباط ضعیفی هم با بازارهای سهام و اوراق بهادار دارد.

اصلی‌ترین تفاوت بانک داری غیرربوی حضور در بخش حقیقی اقتصاد است و هر نوع شیوهی بانکداری غیرربوی مثل بانکداری مبتنی بر مضاربه یا مشارکت و یا فروش اقساطی و یا مرابحه در محدوده‌ی بازارهای حقیقی فعالیت دارد. بنابراین رشد تقاضا و عرضه‌ی پول براساس رشد بخش حقیقی است و باعث ثبات بیشتر اقتصاد می‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



منابع

- ۱) اقبال، منور (۱۳۸۴)، بانکداری اسلامی، مجموعه مقالات درس‌هایی در اقتصاد اسلامی، ترجمه‌ی جمعی از دانش‌آموختگان دانشگاه مفید، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- ۲) ابوزید، محمد عبدالمنعم (۱۹۸۱)، المضاربة و تطبيقاتها العملية فی المصارف الاسلامية، قاهره.
- ۳) احمد، خورشید (گردآورنده) (۱۳۷۴)، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه‌ی محمد جواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۴) توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه‌ی آن با نظام سرمایه داری، تهران، توانگران.
- ۵) توکلی، محمد جواد (۱۳۸۰)، بانک اسلامی اردن، نمونه‌ی موفق در اجرای الگوی مشارکت در سود و زیان، مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه‌ی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶) خان، محسن و میرآخور، عباس (۱۳۷۰)، بانکداری اسلامی بدون بهره، تحلیل نظری، در مجموعه مقالات با عنوان مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی، ترجمه‌ی محمد ضیائی بیگدلی، تهران، مؤسسه‌ی بانکداری ایران.
- ۷) ساسان‌گهر، پرویز (۱۳۸۳)، موانع نوآوری در بانک‌های دولتی ایران، در مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۸) الصدر، السید محمد باقر (۱۴۰۱)، البنك اللاربوی فی الاسلام، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة السابعة.
- ۹) طیبیان، سید محمد، (گردآورنده) (۱۳۸۳)، تجربه‌ی دو دهه بانکداری اسلامی و چالش‌های پیش رو، ابعاد نظری ساختاری و اجرایی، مجموعه

مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۱۰) غنی نژاد، موسی (۱۳۸۳)، بررسی برخی نظریه‌های مربوط به بانکداری بدون بهره، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۱۱) کميجانی، اکبر (۱۳۸۳)، دیدگاه‌های نظری و پیش نیازهای لازم برای نیل به استقلال بانک مرکزی با هدف مهار تورم و ثبات قیمت‌ها، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۱۲) معدلت، کوروش (۱۳۸۰)، ارزیابی عملکرد سیاست‌های پولی و مالی دولت با توجه به نقش درآمدهای نفتی در اقتصاد (تحلیل اقتصاد سنجی)، پژوهش‌های اقتصادی، سال اول، شماره دوم.

۱۳) ماسگریو، ریچار و ماسگریو، پکی ب (۱۳۷۲)، مالیه عمومی در تئوری و عمل، مترجمان مسعود محمد و یدنا... ابراهیمی فر، سازمان برنامه و بودجه.

۱۴) معدلت، کورش (۱۳۸۱)، بانک مرکزی و سیاست‌های ضد تورمی، راهبرد، ش ۲۴.

۱۵) موسویان، سید عباس (۱۳۸۰)، بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ دوم.

۱۶) میرجلیلی، سید حسین (۱۳۷۴)، ارزیابی بانکداری بدون ربا، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

۱۷) نادری کزج، محمود و صادقی، حسین (۱۳۸۲)، بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک‌های غیرربوی با بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها، پژوهش‌های اقتصادی، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.

۱۸) ویتزمن، مارتین ل (۱۳۶۸)، اقتصاد شراکتی، ترجمه‌ی علی یاسری، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.